

در مقابل این انباشت اطلاعات و دانش محدود و معین، رویکردهای جدید و فعال بر درگیر ساختن دانش‌آموزان با موضوعات مهم و جاری یا مسائل و مشکلات اجتماعی به طوری که افراد برای شکل بخشیدن یا اصلاح و بازسازی جامعه آمادگی لازم را کسب کنند، تأکید دارند. امروزه رویکردهای مختلفی در آموزش این درس وجود دارد که از جمله می‌توان به رویکردهای زیر اشاره کرد.

- رویکرد اکتشافی - کاوشگری^۱ که بر تحقیق و حل مسئله تأکید دارند؛
- رویکرد انتقادی - واکنشی که بر دیدگاه‌های متخصصان تعلیم و تربیت چون پائولو فریر مبتنی است؛
- رویکرد مبتنی بر مشارکت اجتماعی که بر حقوق و مسئولیت‌های دموکراتیک، احترام به تنوع فرهنگی و گسترش آگاهی‌ها تأکید می‌کند؛
- رویکردهای مبتنی بر مفاهیمی فرهنگی بین گروه‌های مختلف و تفاهم بین‌المللی و هم‌چنین کارگروهی^۲.

به همین دلیل، روش‌های فعال یادگیری به‌ویژه فراهم آوردن فضای بحث و گفت‌وگو، یادگیری مشارکتی و یادگیری از طریق همیاری، بازدید علمی از سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی، کاوشگری اجتماعی و بررسی و گردآوری اطلاعات از منابع مختلف و بهره‌گیری از فناوری‌هایی چون رایانه، فیلم و اسلایدهای آموزشی و ایجاد پیوند و رابطه‌ی نزدیک میان فضای آموزشی با فضای واقعی زندگی اجتماعی در دستور کار آموزش‌های نوین مدنی قرار گرفته است.

۱۴- مفاهیم و ملاحظات اساسی در آموزش مدنی

۱۴-۱- آموزش حقوق و قوانین

«حق در لغت دارای معانی زیادی است و تصور می‌شود که بازگشت تمام آن‌ها به یک مفهوم باشد. مفهوم واحدی که حق در آن استعمال می‌شود، عبارت است از «ثبوت» یعنی استواری. در اصطلاح علم حقوق، حق عبارت است از توانایی سلطه‌ای که برای شخص یا اشخاص نسبت به شخص یا چیز دیگر اعتبار می‌شود و بر مبنای آن، شخص صاحب حق می‌تواند از آن بهره برد. گاهی

حقّ شخص نسبت به یک شیء یا چیز دیگر است، مانند حقّ مالکیت نسبت به خودرو یا حقّ مستأجر نسبت به منافع خانه که بر مبنای آن، صاحب اتومبیل می‌تواند از آن بهره‌برداری کند یا مستأجر در خانه سکونت کند و از این قبیل است حقّ حیات، آزادی شغل، حقّ زوجیت و ... این حقوق، حقوق فردی است.

این امتیازات و توانایی‌های فردی در صورتی معتبر است که مورد تأیید نظام حقوقی باشد و به عبارتی، حقوق حاکم بر یک جامعه چنین امتیازاتی را برای فرد به رسمیت بشناسد. از نظر حقوق، شخص صاحب حق در استفاده از حقوق خود و اعمال آن، آزادی مطلق و بی‌قید و شرط ندارد بلکه تا حدی می‌تواند حقّ خود را اعمال کند که سبب زیان و خسارت دیگران نشود. در صورتی که اعمال حق موجب ضرر دیگران شود، قانون جلوی آن را می‌گیرد؛ مثلاً، شخصی در منطقه‌ی مسکونی شهر، منزلی دارد و اگر چه وی مالک منزل است و می‌تواند هر نوع استفاده‌ای از ملک خود ببرد اما اگر بخواهد در آن، گاوداری دایر کند و گاو پرورش دهد، چون این امر برای بهداشت محیط زیست و همسایگان زیان‌بار است، قانون جلوی اعمال این حق را می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، کسی نمی‌تواند از حقّ خود سوءاستفاده کند. بر یکی از معانی حق، قدرتی است که از طرف قانون به شخص داده می‌شود؛ از این رو، واژه‌ی حقوق مجموع مقررات و قواعدی است که بر افراد جامعه حاکم است. خواه در رابطه‌ی افراد با یکدیگر باشد یا رابطه‌ی افراد با دولت و حتی روابط دولت‌ها با هم.^۱

یکی از منابع مهمّ این قواعد و مقررات، «قانون» است. قانون به دو معنای عام و خاص استعمال می‌شود. در معنای عام، قانون هم شامل قانون اساسی و قوانین عادی مصوبات مجلس قانون‌گذاری یا قوه‌ی مقننه می‌شود و هم در برگیرنده‌ی بخش‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های اداری است. در معنای خاص، قانون فقط به مصوبات مجلس یا قوه‌ی مقننه اطلاق می‌شود. قانون مهم‌ترین و اولین منبع حقوق به شمار می‌آید و بر سایر منابع حقوق مقدم است.

در آموزش حقوق، هم حقوق فردی و هم حقوق اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرند. حقوقی نظیر حقّ حیات، حقّ داشتن نام و نام‌خانوادگی، حقّ سلامتی و بهداشت، برخورداری از امنیت، حقّ برخورداری از آموزش و پرورش، حقّ مالکیت، حقّ آزادی بیان از جمله حقوق فردی‌اند، از حقوق اجتماعی می‌توان به حقّ مشارکت در عرصه‌ی سیاسی، حقّ اشتغال و حقّ برخورداری از تأمین

۱- معظی، شهلا و ناهید فلاحیان؛ آموزش حقوق برای نوجوانان، راهنمای معلم، درس اختیاری برای دوره‌ی متوسطه، وزارت

آموزش و پرورش. ۱۳۸۲، صص ۲۰-۲۲.

اجتماعی اشاره کرد.

همان‌طور که گفتیم، یکی از منابع مهم حقوق، قانون است. مراحل وضع قانون شامل سه مرحله‌ی زیر است:

۱- تصویب قانون

۲- امضای قانون

۳- انتشار قانون.

«الزام ناشی از قانون» یعنی این که پس از انتشار قانون و گذشتن مهلت اجرای آن، رعایت احکام آن بر همه واجب است و هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه‌ی جهل به قانون، از اجرای آن خودداری کند و در هیچ صورتی ادعای جهل به قانون پذیرفته نیست.

فلسفه‌ی وجود «قانون»، برقراری نظم و آرامش در جامعه است. قانون پاسدار حقوق افراد است. در عین حال، جامعه برای حفظ بقاء و هویت خویش، هر واحد اجتماعی، فرد یا گروه را ناگزیر می‌سازد تا روابط و کنش‌های خود را در محدوده‌ی چارچوب‌های معین و براساس الگوهای خاص سامان دهد.

در هر گروه اجتماعی اعم از خانواده، مدرسه، دانشگاه، کارگاه، سازمان اداری و غیراداری و جامعه‌ی شهری و روستایی، روابط و حقوق و تکالیفی بین افراد وجود دارد. این روابط باید تابع قواعدی الزام‌آور باشد که «مقررات و قواعد اجتماعی» نامیده می‌شود.

مقررات و قواعد اجتماعی به صورت احکام مذهبی، دستورهای اخلاقی، دستورالعمل‌های اداری، مقررات حقوقی، عرف و عادت، و برای بقای اجتماع تجلی می‌کند و چنانچه این قواعد و مقررات به وسیله‌ی مقام صلاحیت‌دار و به موجب نوشته‌ای تصویب شود، نام «قانون» به خود می‌گیرد؛ از این‌رو، بقای هر اجتماع نیازمند قانون است.

آموزش قوانین در دوره‌ی ابتدایی را باید از آموزش مقررات دستورالعمل‌ها و قوانین حاکم بر محیط زندگی پیرامون دانش‌آموزان شروع کرد.

در اولین مرحله، کودکان با وجود مقررات در خانواده روبه‌رو می‌شوند. هر خانواده‌ای مقررات مخصوص به خود را دارد؛ سر ساعت خوابیدن، با کفش وارد خانه نشدن، توپ‌بازی نکردن در اتاق، و بلند نکردن صدای تلویزیون هنگام استراحت یا مطالعه‌ی سایر اعضای خانواده از آن جمله است. البته بسیاری از مقررات خانواده‌ها، شبیه به یکدیگرند. در مدرسه نیز قوانین و مقرراتی حاکم است. غیبت دانش‌آموزان از کلاس درس، نوبت گرفتن، آمد و شد در مدرسه، وضع ظاهری و پوشش تابع

مقرراتی است. دانش‌آموزان در محله نیز با مقرراتی مواجه می‌شوند؛ برای مثال می‌توان به پرهیز از سرو صدای زیاد یا بازی در کوچه به ویژه در ساعات استراحت همسایگان و گذاشتن زباله‌ها در جای مناسب اشاره کرد.

باید توجه کرد که مهم‌ترین و مناسب‌ترین راه آموزش این مقررات که به عبارت دیگر بار اخلاقی و ارزشی دارند، درونی ساختن ارزش‌ها از طریق آموزش فلسفه و ضرورت این مقررات به کودکان است. بدیهی است اگر در هنگام آموزش‌های کلاسی نیز هم چنان که در آموزش‌های غیررسمی متداول است فقط به ذکر باید و نبایدها و درخواست پیروی و اطاعت از مقررات بسنده کنیم، این آموزش‌ها مثرتر واقع نمی‌شوند؛ بنابراین، مهم‌ترین وظیفه‌ی معلم، طراحی تجارب و فعالیت‌های مناسب یادگیری در زمینه‌ی این مقررات است؛ به طوری که دانش‌آموزان با ضرورت وجود قوانین و مقررات آشنا و درگیر شوند و علل و اهمیت آن‌ها را دریابند. هم‌چنین بتوانند نتایج و پیامدهای عدم پیروی از مقررات را که به تضییع حقوق دیگران و خودشان منجر می‌شود، درک کنند.

در مرحله‌ی دیگر می‌توان مقررات مکان‌های عمومی مانند قوانین و مقررات استفاده از پارک‌ها، کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها، فرهنگ‌سراها، مساجد و نظایر آن را آموزش داد و به دانش‌آموزان فهماند که هریک از مکان‌های عمومی برای خود مقررات ویژه‌ای دارند که باید افراد آن‌ها را رعایت کنند. مقررات آمد و شد در کوچه و خیابان از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی‌اند که باید به دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی به‌طور صحیح آموزش داده شوند. در این زمینه، انجام تمرین‌های کافی عملی مثل ایفای نقش عبور و مرور در فضای مصنوعی ایجاد شده در حیاط مدرسه، دعوت از پلیس راهنمایی به کلاس و بردن بچه‌ها به محوطه‌ی خیابان و کوچه و آموزش علائم و چگونگی عبور از خیابان الزامی است و نباید به آموزش‌های نظری بسنده کرد.

بدیهی است چنان‌چه نظم‌پذیری و پیروی از قوانین و مقررات در کودکان و نوجوانان به امری درونی و خودانگیخته بدل شود، می‌توان امیدوار بود که در آینده نیز آن‌ها به افرادی قانون‌مدار مبدل شوند و به حقوق دیگران احترام بگذارند و آن را به رسمیت بشناسند.

به منظور طراحی فعالیت‌های یادگیری مناسب در این زمینه، ایجاد فضای بحث و گفت‌وگو و درگیر کردن دانش‌آموزان با اقدامات عملی، ایجاد فضاها و موقعیت‌های فرضی و وادار کردن آن‌ها به تفکر و تصمیم‌گیری حایز اهمیت است.

البته در سطوح بالای دوره‌ی ابتدایی و هم‌چنین دوره‌ی راهنمایی می‌توان نقد برخی مقررات یا وضع قوانین و مقررات را نیز آموزش داد؛ برای مثال، می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم برای بهتر اداره

شدن مدرسه یا فضای بازی در حیاط یا انجام یک کار گروهی یا فعالیت‌هایی در کلاس، مقرراتی وضع کنند و سپس این قوانین و مقررات را از ابعاد مختلف به نقد و بررسی در جمع دانش‌آموزان بگذارند.

۲-۱۴- آموزش مسئولیت‌ها و تکالیف

انسان‌ها موجوداتی مسئول و متعهد آفریده شده‌اند. انسان‌ها در برابر خدا، خود، اجتماع و محیط، مسئولیت‌ها و تکالیفی برعهده دارند. آموزه‌های دینی تکالیف انسان را در این موارد تعیین و تصریح کرده‌اند.

در مقابل هر حق، تکلیفی وجود دارد و این دو به منزله‌ی دو کفه‌ی ترازویند که باید تعادل آن‌ها حفظ شود. لذا هم‌چنان که دانش‌آموزان را با حقوق فردی و اجتماعی‌شان آشنا می‌کنیم، باید آن‌ها را از تکالیف و مسئولیت‌هایشان نیز آگاه سازیم. متأسفانه، اغلب می‌بینیم که در این زمینه به آموزش مسئولیت‌ها و تکالیف بسنده می‌شود، گویی که دانش‌آموزان هیچ حقی ندارند و گاه نیز برنامه‌ی طراحی شده فقط برای آموزش یک‌جانبه‌ی حقوق است.

از نظر حقوقی، هر گاه قانون برای شخص امتیازی قائل شود، متقابلاً برای شخص دیگر تکلیفی در نظر می‌گیرد؛ مثلاً، اگر برای زن حق مطالبه‌ی نفقه در برابر شوهر را در نظر گرفته، برای شوهر نیز تکلیف پرداخت نفقه را معین کرده است.

در پشت هر تکلیف، یک نوع الزام و اجبار قانونی قرار دارد؛ به‌طوری که هرگاه شخص مکلف، از انجام آن خودداری کند، مجبور به انجام آن می‌شود و در صورت انجام ندادن، مجازات می‌شود. رابطه‌ی حق و تکلیف از نظر حقوقی بدین صورت است که صاحب حق و تکلیف، دو شخص متفاوت‌اند. گاهی شخص در برابر جامعه و دولت دارای تکلیف است که در این صورت نمی‌توان فرد خاصی را صاحب حق دانست و این اجتماع و دولت است که صاحب حق است؛ مثلاً، تکلیف فرد نسبت به انجام خدمت نظام وظیفه، رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی و نظایر آن، حق اجتماع محسوب می‌شود.

تکلیف یا الزام شخص در برابر سایر اشخاص یا جامعه، به اعتبار موضوع آن ممکن است انجام فعل یا ترک آن باشد؛ مانند کسی که تعهد کرده به دیگری درس بدهد و موضوع تکلیف انجام عمل است. تمام افراد جامعه نسبت به امور کیفری یا جرائم مکلف به ترک‌اند؛ مثلاً، هیچ کس نمی‌تواند به جان و مال دیگری صدمه بزند و این امر، جرم شناخته می‌شود.

تفاوت مهم حق و تکلیف این است که صاحب حق می‌تواند از حق خود صرف‌نظر کند یا آن

را به دیگری واگذار کند؛ مثلاً، کسی که از دیگری طلب دارد می‌تواند از آن بگذرد ولی شخصی که مکلف است ملزم به انجام تکلیف است؛ مثلاً، خریدار یک کالا مکلف است که قیمت کالا را بپردازد و نمی‌تواند از زیر بار آن شانه خالی کند.

اموری نیز وجود دارند که به طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد که حق است یا تکلیف و در موافقی، آمیزه‌ای از هر دو است؛ مثلاً، حضانت و نگهداری از فرزند که مطابق قانون به پدر و مادر واگذار شده، طبق قانون مدنی هم حق آن‌هاست و هم به دلیل این که نمی‌توانند از زیر بار آن شانه خالی کنند باید آن را نوعی تکلیف دانست^۱.

همان‌طور که شهروند در برابر اجتماع و حکومت از حقوقی برخوردار است، در مقابل، تکلیفی نیز به عهده دارد؛ چون فرد از اجتماع بهره‌مند می‌شود، لازم است دین خود را نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ادا نماید. از مهم‌ترین تکالیف و وظایف عمومی شهروندان می‌توان به دفاع از میهن، احترام به نظم عمومی، رعایت قوانین کشور، احترام به شئون ملی، داشتن وجدان کار، مراقبت و حفاظت از اموال عمومی، مراقبت از محیط زیست و ثروت‌ها و منابع ملی، حفاظت از میراث فرهنگی، احترام به حقوق دیگران، اهتمام به تربیت فرزندان مفید و سالم برای جامعه و خدمت نظام وظیفه، اشاره کرد.

البته در برابر مسئولیت‌ها و تکالیفی که به عهده‌ی شهروندان است، حکومت و سایر سازمان‌های رسمی نیز ملزم به رعایت حقوقی‌اند که بر مبنای قانون برای افراد در نظر گرفته شده است.

در زمینه‌ی آموزش مسئولیت‌ها و تکالیف به کودکان و نوجوانان باید توجه کرد که این مقوله پیوند نزدیکی با فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها دارد؛ به عبارت دیگر، اگر چه این عناوین مفاهیم کلیدی یک حوزه‌ی موضوعی را در مطالعات اجتماعی تشکیل می‌دهند و بخشی از دانش و اطلاعاتی‌اند که باید به دانش‌آموزان انتقال یابند، اما ماهیت ارزشی و نگرشی دارند و لذا در آموزش این مفاهیم باید به همان نکات و راه‌کارهای آموزش ارزش‌ها توجه کرد^۲.

آموزش مسئولیت‌ها و تکالیف نیز به موازات آموزش حقوق و قوانین از محیط‌های پیرامون زندگی کودکان آغاز می‌شود. به منظور تقویت مسئولیت‌پذیری بچه‌ها در خانواده، برگزاری جلسات مستمر اولیا و مربیان الزامی است؛ زیرا در این زمینه انتظار داریم که اهداف در جایی تحقق یابند که دور از چشم معلم است و به علاوه، تحقق این اهداف نیز مستلزم وجود شرایط و امکاناتی است.

۱- منبع پیشین، ص ۲۰.

۲- رجوع کنید به فصل دوم همین کتاب، بخش درونی‌سازی ارزش‌ها.

برای این که آن چه برنامه‌ی درسی و فعالیت‌های معلم در پی آن است به درستی تحقق یابد، آموزش خانواده‌ها ضرورت است؛ بدیهی است اگر بخواهیم کودکان را به رعایت مسئولیت‌ها و تکالیفشان در خانه و خانواده، محله، نهادها و مؤسسات اجتماعی پیرامون زندگی‌شان واداریم و به عبارتی دیگر، به آن‌ها آموزش بدهیم، اما خانواده‌ی کودک در روابط متقابل با او یا الگوهای رفتاری‌شان در محیط زندگی از شیوه‌های صحیح و مطلوب پیروی نکنند یا به این شیوه‌ها معتقد و پایبند نباشند، آن گاه در نظام ارزشی کودکان، دوگانگی پدید می‌آید و آموزش‌ها نیز مفید نخواهد بود.

بنابراین، به منظور جلوگیری از پیدایش چنین تعارضاتی و تحقق اهداف برنامه‌ی درسی، شایسته است که معلمان در طراحی و انجام فعالیت‌های یادگیری در زمینه‌ی مسئولیت‌ها و تکالیف، همکاری و مشارکت نزدیک و مستمر با خانواده‌ها داشته باشند و حتی بخشی از تجارب یادگیری و ارزش‌یابی از آن‌ها به طور مشترک با والدین طراحی و انجام پذیرد.

۳-۱۴- نقش‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی

همه‌ی ما عضو گروه و گروه‌هایی هستیم. اعضای گروه با همکاری، نیازهای همدیگر را رفع می‌کنند و زندگی با دیگران را می‌آموزند.

نخستین گروهی که ما در آن عضویم خانواده است. ما به تدریج با بزرگ‌تر شدن، عضو گروه‌های دیگری چون هم‌کلاسی‌ها، گروه‌های هنری یا ورزشی، مذهبی و سیاسی، کارکنان یک مؤسسه یا اداره و ... می‌شویم. داشتن خصوصیات و فعالیت‌های مشترک، یکی از ویژگی‌های اصلی هر گروه است. هم‌چنین افراد در گروه با یکدیگر روابط متقابل برقرار می‌کنند؛ بنابراین، در تعریف گروه می‌توانیم بگوییم:

«گروه عبارت از مجموعه‌ای از انسان‌هاست که دارای خصوصیات و فعالیت‌های مشترکی اند و با هم روابط نسبتاً پایدار و منظمی دارند».

به خانواده و دوستان «گروه‌های نخستین» می‌گویند. در این نوع گروه‌ها، روابط اعضای گروه با یکدیگر وفادارانه، صمیمانه و عاطفی است. این گروه‌ها کوچک‌اند و عضویت در آن‌ها به خاطر خود اعضای گروه است. در مقابل، گروه‌های شغلی و اداری، مؤسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی که از آن‌ها به «گروه‌های دومین» یاد می‌شود، دارای تعداد اعضای بیش‌تر است و روابط بین افراد در این گروه‌ها بیش‌تر قراردادی و رسمی بوده و عضویت در آن‌ها با هدف ارائه‌ی خدمت، تأمین نیازهای مالی و نظایر آن صورت گرفته است.

در یک روند تاریخی، از آن‌جا که در اثر پیچیدگی‌های نیازهای اجتماعی، خانواده‌ها و گروه‌های

کوچک به تنهایی قادر به رفع همه‌ی نیازهای انسان‌ها نبوده‌اند، به تدریج سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی گوناگون در جامعه پدید آمده است.

«در هر گروه، افراد در جایگاه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. به هر یک از این جایگاه‌ها که افراد با قرار گرفتن در آن‌ها باید الگوهای عمل خاصی را رعایت کنند، نقش گفته می‌شود.» مثلاً در خانواده، یک فرد ممکن است در نقش پدر یا مادر یا خواهر کوچک‌تر یا فرزند قرار بگیرد. در یک تیم فوتبال، فرد ممکن است در نقش یا جایگاه دروازه‌بانی یا دفاع قرار داشته باشد.

گاه، نقش را خود فرد می‌پذیرد و گاه آن را به او نسبت می‌دهند، نقش‌هایی مثل معلم بودن یا دانش‌آموز بودن، نقش‌هایی است که افراد آن را می‌پذیرند اما نقش دختر بودن یا فرزند بودن و ... که به فرد نسبت داده می‌شود، نقش‌هایی‌اند که فرد آن‌ها را انتخاب نکرده است.

افراد در هر نقش ملزم به انجام رفتار و رعایت الگوهای عمل خاصی‌اند که دیگران از وی انتظار دارند. تکالیف یا وظایف یک نقش، مجموعه‌ی رفتارها و الگوهای عملی‌اند که از فردی که آن نقش را پذیرفته یا نقش به او نسبت داده شده است، انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهد.

از سوی دیگر، وقتی فرد نقشی را می‌پذیرد یا آن را به او نسبت می‌دهند، انتظار دارد که دیگران نیز با او رفتار خاصی داشته باشند و الگوهای عملی ویژه‌ای را رعایت کنند.

لذا مجموعه الگوهای عملی که فرد در نقش خاص خود انتظار دارد دیگران نسبت به او انجام دهند، حقوق آن نقش نامیده می‌شود.

اگر نقش‌ها و حقوق و تکالیف آن‌ها را در یک گروه بررسی کنیم، درمی‌یابیم که تکالیف یک نقش، حقوق نقش‌های دیگر و حقوق یک نقش، تکالیف نقش‌های دیگر است؛ مثلاً در خانواده، احترام به والدین که از تکالیف نقش فرزندی است، از حقوق نقش پدری و مادری شناخته می‌شود. هم‌چنین فراهم کردن شرایط مناسب زندگی که در خانواده، نقش و وظیفه‌ی پدر شناخته می‌شود، جزء حقوق دیگر اعضای خانواده محسوب می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت: نقش‌های مختلف در یک گروه به‌طور متقابل با یکدیگر وابسته‌اند^۱.

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، از مهم‌ترین محورهای آموزش مدنی، آموزش نقش‌ها و برقراری روابط مطلوب با خانواده و هم‌چنین مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی است. بدیهی است که عملکرد و چارچوب این مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در چارچوب خط‌مشی‌ها و سیاست‌های عمومی نظام حکومتی و دولت قرار می‌گیرند و در واقع، بخشی از فرایند

۱- مطالعات اجتماعی، کتاب درسی سال اول دبیرستان. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۶.

روابط شهروندان و دولت را تشکیل می‌دهند.

آموزش خانواده: خانواده، مهم‌ترین نهاد اجتماعی و پایه‌ی هر اجتماع بزرگ‌تر است. خانواده کودک را برای قبول مسئولیت آماده می‌سازد، به افکار، عواطف، اراده و فعالیت وی شکل خاصی می‌بخشد و او را اجتماعی می‌سازد. خانواده بیش از آن که یک سازمان حقوقی باشد، یک نهاد اجتماعی است. اعضای خانواده از هم ارث می‌برند، مکلف به انفاق یکدیگرند و برای تأمین سعادت خانواده، مسئولیت دارند و تمامی جمع آنان را رهبری می‌کند.

واژه‌ی خانواده تداعی‌کننده‌ی احساس امنیت و اطمینان است. مهم‌ترین و ارزشمندترین نقش خانواده، تأمین محبت واقعی و عمیق بین اعضای خانواده است. خانواده اولین اجتماع کودکان است. در این جاست که کودکان اولین تجربیات خود را از زیستن با دیگران به دست می‌آورد و پایه‌ی رشد و فعالیت‌های آینده‌ی وی گذاشته می‌شود. در اهمیت اجتماعی خانواده این بس که یک خانواده‌ی سالم می‌تواند در دامن خود فرزندان شایسته و پای‌بند به اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی تربیت کند. هم‌چنان که قادر است در اثر ناآگاهی و عدم احساس مسئولیت، فرزندان نالایق، بی‌کفایت و سربار جامعه تحویل اجتماع دهد. خانواده در حفظ گسترش قدرت ملی نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ به بیان دیگر، بین قدرت ملی و خانواده رابطه‌ای نزدیک وجود دارد.

با توجه به اهمیت و نقش خانواده در ایجاد جامعه‌ی سالم و نیرومند، قانون اساسی مقرر داشته است:

«خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و قوانین عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده‌ی انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است.»

خانه و خانواده از موضوعات مهم در آموزش مدنی و شهروندی محسوب می‌شود. با این حال در آموزش این محور – چنان که قبلاً تأکید کردیم – رابطه‌ی نزدیک و مؤثر میان خانه و مدرسه الزامی است و آموزش صحیح نقش‌ها و روابط مطلوب خانوادگی به کودکان، نمی‌تواند بدون همکاری این دو صورت بگیرد و این محور کلیدی در آموزش مدنی، چنان‌چه با آموزش خانواده و مشارکت آن در طراحی و اجرای فعالیت‌های یادگیری همراه شود، نتایج بسیار مفیدی به بار می‌آورد.

شناخت مؤسسات و سازمان‌ها: سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی گوناگون که در زندگی امروز و در اثر پیچیدگی نیازهای اجتماعی به وجود آمده‌اند، محور دیگری از آموزش‌های مدنی و شهروندی است. هر یک از این سازمان‌ها در برابر مردم وظایفی برعهده دارند و نیازهای خاصی را

رفع می‌کنند. برای این که افراد جامعه بتوانند با هر یک از این سازمان‌ها که از ارتباط با آن‌ها گریزی نیست، روابط منطقی و مطلوبی برقرار کنند، باید نسبت به وظایف و کارکرد آن‌ها آگاهی لازم را به دست بیاورند. چگونگی برقراری این روابط، بخشی از مهارت‌های زندگی اجتماعی است که باید به کودکان و نوجوانان آموزش‌های لازم داده شود. این آموزش‌ها را نیز باید از آن دسته از مؤسسات و سازمان‌هایی که در محیط پیرامون دانش‌آموز قرار دارند و دانش‌آموزان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با عملکردهای آن‌ها به‌طور ملموس و عینی سرو کار دارند، آغاز کرد. از جمله‌ی این مؤسسات، می‌توان به بانک‌ها، شهرداری، راهنمایی و رانندگی، پست، بیمه، جمعیت‌های خیریه، سازمان حفاظت محیط زیست و مؤسسات امداد رسان اشاره کرد.

بدیهی است اگر آموزش‌ها در این زمینه فقط به شرح و توصیف وظایف و کار و ساختار این مؤسسات محدود و منحصر شود و دانش‌آموزان را به بازگویی اطلاعاتی پیرامون این مؤسسات و سازمان‌ها وادار کنیم، به اهداف موردنظر در آموزش دست نمی‌یابیم. طراحی فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر برقراری رابطه با این سازمان‌ها، دعوت از کارکنان و مسئولان آن‌ها به کلاس و بازدید علمی از این مؤسسات امری الزامی است و نقش مؤثری در کسب آگاهی و مهارت‌های مورد لزوم دارد.

آموزش سیاسی: آشنایی با ساختار نظام سیاسی و حکومت در یک کشور از محورهای دیگر آموزش مدنی است. در این زمینه با توجه به سن مخاطبان در دوره‌ی آموزش عمومی، بهتر است از آن بخش‌هایی که برای کودکان ملموس‌تر است، آغاز کنیم؛ مثلاً، آشنایی با سرود ملی و پرچم، انتخابات (انتخابات شورای شهر، شورای روستا، ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس) و لزوم قانون اساسی در یک کشور.

برپایی انتخابات در کلاس به منظور تعیین نماینده و تشکیل شورا و مجلس دانش‌آموزی، درست کردن پرچم، اجرای سرود ملی، شناسایی نمایندگان شهر و روستای محل زندگی، مجلس و شورا، تمرین‌های خوبی برای فهم موضوعات فوق‌اند.

در ضمن، این تمرین‌ها، مهارت‌های مشارکت و تصمیم‌گیری جمعی را در دانش‌آموزان بالا می‌برد و کسب این مهارت‌ها از ملزومات تربیت شهروندی است.

۴-۱۴- آموزش‌های اقتصادی - مالی

یکی از نیازهای ضروری که با زندگی روزمره‌ی شهروندان یک کشور آمیخته است و باید به‌طور جدی در سطوح مختلف تحصیلی به آن پرداخته شود، آموزش‌های مالی - اقتصادی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر چه اهمیت «سواد اقتصادی» در برنامه‌های آموزشی اغلب کشورهای جهان مورد غفلت قرار گرفته است، با این حال توجه به این مقوله در برنامه‌های درسی در یکی، دو دهه‌ی اخیر به ویژه در کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی نضج گرفته و تأکید بر لزوم و برنامه‌ریزی آن در حال افزایش است.

امروزه عمده‌ترین رویکردی که در زمینه‌ی بالا بردن سواد اقتصادی در برنامه‌های درسی به کار گرفته می‌شود، رویکرد تلفیقی است؛ به طوری که مباحث اقتصادی در سایر موضوعات درسی نظیر ریاضیات، جامعه‌شناسی و مطالعات اجتماعی تلفیق و به این روش آموزش داده می‌شود.

«از یک مطالعه‌ی تطبیقی که در زمینه‌ی اهداف، مدل‌ها و استانداردهای برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی در برخی کشورها انجام شده است، چنین برمی‌آید که در برنامه‌ی تلفیقی و یکپارچه برای این درس، به مبحث اقتصاد در کنار سایر مباحث تاریخ، جغرافیا و مدنی توجه شده است؛ به طوری که در کشورهای مختلف، این بحث در قالب حوزه‌های موضوعی یا راهبردهای موضوعی چون «اقتصاد و منابع»، «منابع»، «تولید و توزیع، مصرف»، «نظام‌های اقتصادی - اجتماعی» یا «منابع، قدرت و حکومت» مطرح می‌شود^۱.

«باید توجه کرد که مباحث اقتصادی، علاوه بر آن که در آموزش‌های شهروندی جایگاهی دارند، از نظر تلفیق با مباحث جغرافیا و تاریخ نیز در خور تأمل‌اند؛ زیرا وقتی دانش‌آموزان از طریق دانش جغرافیا موضوعات محیطی را بررسی می‌کنند، لازم است که به مطالعه‌ی آثار اقتصادی موضوعات محیطی یا تأثیر خط‌مشی‌های اقتصادی بر محیط نیز بپردازند؛ هم‌چنین، وقتی در تاریخ رویدادها و حوادث تاریخی کشورها و نواحی جهان در طی زمان مطالعه می‌شوند، لازم است آثار اقتصادی این رویدادها در گذشته، حال و آینده نیز مورد توجه قرار بگیرند.

وقتی افراد آموزش‌های اقتصادی می‌بینند، قدرت تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی و مهارت‌های تصمیم‌گیری را هم در زندگی شخصی و خانوادگی و هم به عنوان بخشی از جامعه به دست می‌آورند؛ در نتیجه، چنین افرادی می‌توانند روی خط‌مشی‌های اقتصادی که آینده‌ی یک جامعه را رقم می‌زنند، اثرگذاری کافی داشته باشند. آموزش‌های اقتصادی - مالی به کودکان و نوجوانان از طریق علاقه‌مند کردن آن‌ها به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر آینده‌ی نیروی کار و کارآفرینی در یک کشور تأثیر زیادی به جای می‌گذارد.

۱- ابراهیمی قوام، صفری؛ مطالعه‌ی تطبیقی استانداردها و اهداف برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی در

پنج کشور کانادا، استرالیا، ایالات متحده‌ی آمریکا، ژاپن و انگلستان، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲.

از دیدگاه برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی برای بالا بردن سواد اقتصادی و مالی دانش‌آموزان، همانند سایر برنامه‌های سه حوزه‌ی شناختی، مهارتی، و ارزشی - نگرشی را در برمی‌گیرد:

*** درک روابط چرخه‌های تولید، توزیع مصرف و هزینه‌ها و درآمدها را می‌توان سواد اقتصادی دانست.** بر این اساس، لازم است دانش‌آموزان یاد بگیرند همه‌ی آن‌چه مصرف می‌کنند طی چرخه‌ای و با صرف هزینه به دست می‌آید. آموزش مفاهیمی چون سرمایه‌گذاری، درآمد، خط تولید، توزیع، اشتغال، بیکاری، مشاغل تولیدی شامل خدماتی و هزینه را می‌توان به زبان ساده و با مثال‌های ملموس برای کودکان بیان کرد.

*** بُعد دیگر آموزش‌های اقتصادی - مالی جنبه‌ی مهارتی آن است.** در همه‌ی جوامع، مردم نقش‌های متفاوتی چون تولیدکنندگان، خدمت‌رسانان، سرمایه‌گذاران، توزیع‌کنندگان و ضرورتاً مصرف‌کنندگان را عهده‌دار می‌شوند. برای ایفای هر یک از نقش‌ها به‌طور صحیح و کیفی، مهارت‌هایی مورد نیاز است. از آن‌جا که مصرف‌کنندگان، همه‌ی گروه‌های سنی و شغلی را شامل می‌شوند و کودکان و نوجوانان نیز جزء طبقه‌ی مصرف‌کننده‌ی جامعه‌اند، لذا آموزش مهارت‌هایی چون متعادل کردن دخل و خرج، بودجه‌بندی صحیح برای مصرف، نحوه‌ی انتخاب و تصمیم‌گیری درباره‌ی خرید کالاها، نقد تبلیغات، مصرف بهینه، نحوه‌ی مراجعه و تعامل صحیح با بنگاه‌های اقتصادی و ارائه‌دهندگان کالاها و خدمات، ضرورت می‌یابد.

*** ارزش‌ها و نگرش‌ها نیز بُعد سوم آموزش و بالاخره زیربنای هر نوع تفکر و عمل اجتماعی محسوب می‌شوند.**

این بُعد، ناظر به تربیت اجتماعی است. محتوای ارزشی و نگرشی آموزش‌های اقتصادی - مالی ممکن است طیف گسترده‌ای از نگرش‌های کاملاً مبتنی بر سود و سرمایه و بهره‌وری تا نگرش‌های اخلاقی و مذهبی را در بر بگیرد.

مسئلاً در جامعه‌ی اسلامی، ترویج اخلاقیات اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های دینی چون پرهیز از اسراف، احتکار، کم‌فروشی و تقلب در معاملات، اجتناب از رباخواری، پرداخت خمس و زکات، تلاش برای کار و کسب شرافتمندانه و ارج نهادن به کار در محور ارزشی آموزش‌های اقتصادی قرار می‌گیرد.^۱

خوش‌بختانه در برنامه‌ی درسی جدید مطالعات اجتماعی در کشور ما به آموزش‌های اقتصادی نیز توجه شده است. یک بار دیگر شکل‌های ۱ و ۲ فصل دوم همین کتاب را که به معرفی مفاهیم و

۱- فلاحيان، ناهید؛ سواد اقتصادی و برنامه‌های درسی، فصل‌نامه‌ی حساب و کتاب، ۱۳۸۶، صص ۱۵-۱۶.

عناصر کلیدی این برنامه می‌پردازد، با دقت ملاحظه کنید. همان‌طور که می‌بینید، «منابع و فعالیت‌های اقتصادی» یک حوزه‌ی هم‌ارز با سایر حوزه‌ها را در این برنامه تشکیل می‌دهد و برای این حوزه، سه مفهوم کلیدی «تولید، توزیع و مصرف»، «کار و کارآفرینی» و «بهره‌وری» انتخاب شده است و هر یک از این مفاهیم در محتوا، از سوم ابتدایی تا سوم راهنمایی دنبال می‌شوند.

سواد مالی زیرمجموعه و بخشی از سواد اقتصادی است و مراد از آن، بی‌پردن به ارزش مالی و قدرت خرید پول و حساس‌گری به منظور مصرف بهینه‌ی توان مالی است. اولین گام در راه آموزش سواد مالی شاید آموزش نحوه‌ی استفاده و برنامه‌ریزی کردن برای پول توجیبی باشد. این پول ممکن است به صورت مقرری روزانه، هفتگی یا ماهانه در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرد. اگر چه کودکان دست‌یابی ارزش هر جنسی را نمی‌توانند تخمین بزنند ولی می‌توان به آن‌ها آموخت که تابع هر خواسته‌ی کوتاه مدت نشوند و درست تصمیم‌گیری کنند. آگاه کردن دانش‌آموزان به ترفندهای تبلیغاتی و هم‌چنین مضرات چشم و هم‌چشمی و رقابت در مصرف بی‌رویه‌ی لوازم التحریر لوکس یا اسباب‌بازی و ... و لزوم برقراری تعادل میان درآمد و هزینه را می‌توان از دوره‌ی دبستان آغاز کرد. معلم می‌تواند یک فرد یا خانواده‌ی فرضی را معرفی کرده، درآمد و هزینه‌هایی را برای آن معین کند و سپس از دانش‌آموزان بخواهد که با تهیه‌ی جدولی، هزینه‌ها را به طور صحیح و مطلوب و به بهترین وجه ممکن، در جدول توزیع کنند.

درک اهمیت پس‌انداز و عادت به آن نیز در این مرحله قابل آموزش است. پس‌انداز عبارت است از اندوختن و کنار گذاشتن بخشی از درآمد و امکانات اقتصادی به منظور افزودن بر امکانات در آینده یا رفع نیازهای آتی.

آینده‌نگری اقتصادی و محتمل دانستن تنگناهای اقتصادی در آینده یا بروز نیازهای خاص، جنبه‌ی دیگری از فواید پس‌انداز است و باید به دانش‌آموزان یاد داد که به پس‌انداز خود متکی باشند و در حد امکان از قرض‌گرفتن از این و آن خودداری کنند.

آشنایی با عملکرد بانک‌ها به ویژه در زمینه‌ی پس‌انداز و تشویق کودکان و نوجوانان به گشایش دفترچه‌ی پس‌انداز بانکی با نظارت اولیا از محورهای مهم آموزش‌های مالی است.

دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی به ویژه در سطح بالای این دوره و هم‌چنین نوجوانان دوره‌ی راهنمایی، معمولاً خریدهای ساده و کوچک را برای خانواده انجام می‌دهند. مهارت‌های تصمیم‌گیری و چگونگی انتخاب کالا با توجه به بودجه‌ی معین، توجه به مرغوبیت و قیمت آن، توجه به استانداردهای لازم، خواندن و فهم برچسب‌های روی کالاها در خریدهایی که بچه‌ها برای خود یا خانواده انجام می‌دهند، باید آموزش داده شوند.

در آموزش‌های اقتصادی، محدودیت منابع و همچنین پیامدهای اسراف و زیاده‌خواهی و لزوم صرفه‌جویی و مصرف بهینه از مباحثی‌اند که باید در ابعاد و اشکال مختلف آن مورد توجه قرار بگیرند و حتی تکرار شوند.

برای همه‌ی این موارد، لازم است فعالیت‌های عملی طراحی شود؛ برای مثال، دانش‌آموزان با توجه به بودجه‌ای معین برای خرید یک کالا، بتوانند به نحو مطلوب آن خرید را انجام دهند یا درباره‌ی بهینه‌سازی الگوهای مصرف خود تجدید نظر کرده و ابتکاراتی را که به نظرشان آمده و انجام داده‌اند، به کلاس ارائه کنند.

در هر صورت، با توجه به سرفصل‌ها و محتوایی که برای آموزش‌های اقتصادی – مالی در برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی و کتاب‌های درسی مربوط به آن تعیین می‌شود، شایسته است موارد زیر را در آموزش لحاظ کنیم.

* طراحی فعالیت‌ها و تجارب عملی و مهارتی قابل مشاهده و ارزیابی مانند بازدید علمی از کارگاه‌های تولیدی و مراکز خدماتی و توزیعی (کارخانه‌ها، مزارع، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، بازار و...)، دعوت از صاحبان حرف و مشاغل به کلاس درس.

* ایجاد فضای لازم برای کسب شناخت و دانش کافی و بروز خلاقیت در زمینه‌های اقتصادی و مالی کودکان.

* درونی‌سازی ارزش‌ها و اخلاقیات مطلوب اقتصادی.

در نهایت، همه‌ی این موارد باید به پیوند آموزش‌های اقتصادی – مالی با زندگی واقعی دانش‌آموزان بینجامد.

دانستنی‌های خود را بیازمایید

- ۱- اهمیت‌ها و ضرورت‌های آموزش تاریخ را بیان کنید.
- ۲- اهمیت‌ها و ضرورت‌های آموزش جغرافیا را شرح دهید.
- ۳- محورهای عمده و ضرورت آموزش‌های مدنی و شهروندی را بیان کنید.
- ۴- رویکردهای جدید در آموزش تاریخ چه تفاوتی با رویکردهای سنتی دارند؟
- ۵- منظور از سواد تاریخی و سواد جغرافیایی چیست؟
- ۶- برای آموزش مفاهیمی چون تغییر و تحول، و تداوم تاریخی، به کودکان از چه راهکارهایی می‌توان استفاده کرد؟
- ۷- نکات عمده در بررسی و تحلیل شواهد و مدارک تاریخی توسط کودکان و نوجوانان را بیان کنید.
- ۸- چرا جغرافیا یک دانش بین رشته‌ای محسوب می‌شود؟ توضیح دهید.
- ۹- موقعیت ریاضی چه فرقی با موقعیت نسبی دارد؟ توضیح دهید و مثال بزنید.
- ۱۰- مفاهیم کلیدی و اصلی در آموزش جغرافیا را نام ببرید.
- ۱۱- منظور از کنش متقابل فضایی در جغرافیا چیست؟
- ۱۲- ناحیه را تعریف کنید.
- ۱۳- در آموزش تاریخ محلی به چه نکاتی باید توجه کرد؟
- ۱۴- محورها و موارد عمده در آموزش جغرافیای محلی کدام‌اند؟
- ۱۵- منظور از تفکر کرونولوژیکی در آموزش تاریخ چیست؟
- ۱۶- قانون را تعریف کنید و فلسفه‌ی وجود آن را توضیح دهید.
- ۱۷- رابطه‌ی میان حق و تکلیف و فرق این دو را از نظر حقوقی بیان کنید.
- ۱۸- گروه و نقش را تعریف کنید.
- ۱۹- برخی مهارت‌ها و نگرش‌هایی که باید در آموزش‌های اقتصادی - مالی در دانش‌آموزان پرورش یابند و تقویت شوند، نام ببرید.
- ۲۰- چرا خانه و خانواده از موضوعات مهم در آموزش‌های مدنی محسوب می‌شوند؟
- ۲۱- فاصله‌ی روستای A تا روستای B روی نقشه‌ای با مقیاس $\frac{1}{50000}$ ، $\frac{2}{5}$ سانتی متر است. فاصله‌ی واقعی این دو روستا در روی زمین چند کیلومتر است؟

فعالیت‌ها

۱- روی یک مقوا به دلخواه، دوره‌ای از تاریخ را انتخاب کنید (برای مثال از ابتدای قاجاریه تا انقلاب اسلامی) و آن را برحسب زمانی به دوره‌های کوتاه‌تر ۱۰ ساله، ۲۵ ساله و ... تقسیم کنید و رویدادهای آن دوره را روی تقسیمات خطّ زمان بگذارید. در صورت امکان، بهتر است خطّ زمانی‌ای را که ترسیم می‌کنید، مصور باشد. عکس‌ها و نقاشی‌های مربوط به رویدادها یا اشخاص را در جاهای مناسب آن بچسبانید.

۲- یک موضوع تاریخی متناسب با سرفصل‌های کتاب یا برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی انتخاب کنید. سپس با استفاده از روش‌های خلاق هنری مثل داستان‌گویی، نوشتن نمایش‌نامه و نظایر آن، موضوع را تدریس کنید.

قبل از اجرای تدریس، مختصراً درباره‌ی طراحی تدریس خودتان و روش‌هایی که به کار برده‌اید، استدلال کنید.

۳- فهرستی از موزه‌های آثار تاریخی و مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی شهر یا نزدیک‌ترین محل به منطقه‌ی زندگی‌تان که دانش‌آموزان می‌توانند از آن‌ها بازدید کنند، همراه با نشانی و شماره تلفن آن‌ها تهیه کنید و به استاد تحویل دهید.

۴- شما می‌خواهید نقشه‌ای از محلّ زندگی دانش‌آموزان تهیه کنید و برای کار با نقشه در کلاس، در اختیار آن‌ها بگذارید.

ابتدا یک نقشه‌ی چاپی شهر یا منطقه‌ی زندگی‌تان را از مؤسسات تهیه‌ی نقشه خریداری یا از اطلس‌ها استخراج کنید. سپس کاغذ کالک روی آن بگذارید و فقط عوارض و پدیده‌های مهمی را که دانش‌آموزان باید یاد بگیرند، از روی آن کپی کنید (نقشه را مختصر کنید). بعد با دستگاه فتوکپی از آن کپی بگیرید.

نقشه را رنگ‌آمیزی کنید. (رسم مقیاس ترسیمی و راهنمای نقشه را فراموش نکنید.)

۵- تدریس جهت‌یابی را با توجه به حرکت ظاهری خورشید در آسمان و با استفاده از قطب‌نما، در حیاط برای دانش‌جویان به‌طور عملی اجرا کنید.

۶- درباره‌ی جغرافیای شهر یا روستای محلّ زندگی‌تان تحقیق کنید و گزارشی مختصر شامل موقعیت مکانی، ناهمواری‌ها، آب و هوا، پوشش گیاهی، جمعیت، اشتغال،

منابع و جغرافیای تاریخی آن جا تهیه و به کلاس ارائه کنید.

۷- به چند گروه تقسیم شوید. هر گروه، یکی از مضامین زیر را انتخاب کرده، برای آن، یک واحد یادگیری (مطابق با فصل سوم صفحه‌های ۶۵ و ۶۶) و آن را در کلاس اجرا کنید. سایر گروه‌ها، اجرای تدریس هر گروه را نقد کنند.

* آموزش یکی از مفاهیم و مهارت‌های اقتصادی

* آموزش قوانین و مقررات

* آموزش یکی از مفاهیم یا موضوعات مربوط به ساختار سیاسی و حکومت.

معرفی منابع برای مطالعه‌ی بیش‌تر فصل پنجم

- آرام، محمد باقر؛ درآمدی بر روش تدریس تاریخ، مجله‌ی رشد آموزش تاریخ، ۱۳۷۹.
- انجمن بین‌المللی جغرافیدانان جهان IGU، منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا، ترجمه‌ی ناهید فلاحیان، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۴۰، ۱۳۷۶.
- ایراندوست، کیومرث؛ وسایل کمک آموزشی، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۵۷، ۱۳۸۰.
- جعفری، عباس؛ نقشه‌خوانی گیتاشناسی، مؤسسه گیتاشناسی.
- رمضان‌پور، سکینه؛ آموزش تاریخ در آینده‌ی رشد تاریخ، مجله‌ی رشد آموزش تاریخ، شماره‌ی ۲۵، ۱۳۸۵.
- زاهدی، مجید؛ کارتوگرافی، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- سعیدی، عباس؛ مدل و مدل‌سازی در آموزش جغرافیا، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۷، ۱۳۷۵.
- شایان، سیاوش، منصور ملک عباسی و...؛ راهکارهای آموزش جغرافیا، انتشارات شورا، ۱۳۷۷.
- شایان، سیاوش؛ درباره‌ی آموزش جغرافیا، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۳.
- شایان، سیاوش؛ شناخت‌شناسی و آموزش جغرافیا، بحثی در سیر فلسفی اصول علم جغرافیا و آموزش آن، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۵۵، ۱۳۷۹.
- شهداد، فرهاد؛ عکس و جایگاه آن در آموزش جغرافیا، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۳۸، ۱۳۷۰.
- شهداد، فرهاد؛ ایده‌هایی برای آموزش پنج موضوع بنیادین در جغرافیا، مجله‌ی رشد جغرافیا، شماره‌ی ۷۹، ۱۳۸۶.
- صالحی، نصرالله، راهکارهای آموزش تاریخ، مجموعه مقالات، نشر شورا، ۱۳۸۸.
- فاضلی‌پور، طوبی؛ ویژگی‌های کلاسی یادگیرنده، مجله‌ی رشد آموزش تاریخ، شماره‌ی ۲۵، ۱۳۸۵.

– قائینی، زهره؛ گام به گام با تاریخ، دست‌نامه‌ی فعالیت‌های آموزش مشارکتی تاریخ ادبیات با کودکان و نوجوانان، مؤسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، تهران، نشر چیتا، ۱۳۸۵.

– کودرینگتن استفن و همکاران؛ مهارت‌های جغرافیایی، ترجمه و اقتباس محمود معافی و حسن وحدانی تبار، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۷.

– گروه تاریخ سازمان آموزش و پرورش استان همدان، روش تدریس تاریخ، مجله‌ی رشد آموزش تاریخ، شماره‌ی ۲۹، ۱۳۸۶.

– مجله‌ی موزه‌ها، سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره‌ی کل موزه‌ها.
– مجموعه‌ی زندگی‌نامه‌های مندرج در دایرةالمعارف ناموران معاصر ایران، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

– مجموعه‌ی کتاب‌های «ایران‌شناسی» (از ایران چه می‌دانم؟)، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

– ملک‌عباسی، منصور؛ طرح بازدید علمی درس جغرافیا در آموزشگاه‌ها، مجله‌ی رشد آموزش تاریخ، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، ۱۳۷۶.

– ملکی، حسن؛ آموزش مطالعات اجتماعی در دیگر کشورها، مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱، ۱۳۶۸.

– ملکی، حسن؛ بحثی در روش تدریس با تکیه بر آموزش مسایل اجتماعی، مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره‌ی ۵، ۱۳۶۹.

– نوروژی، جمشید؛ آموزش تاریخ از طریق قصه‌گویی، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، شماره‌های ۵۴-۵۲، ۱۳۸۲.

– نوروژی، جمشید؛ آموزش تاریخ از طریق نمایش‌نامه، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، شماره‌ی ۵۵، ۱۳۸۲.

– نوروژی، جمشید؛ دو ابزار تسهیل و تعمیق آموزش تاریخ، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، شماره‌ی ۵۶، ۱۳۸۲.

– نوروژی، جمشید؛ زمان، مکان و علیت در آموزش تاریخ ابتدایی، شماره‌ی ۵۱، ۱۳۸۲.

– نوروژی، جمشید؛ چگونه دانش‌آموزان را به درس تاریخ علاقه‌مند

کنیم، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره‌های ۸-۶، ۱۳۸۳.
- نوروبی، جمشید؛ مشکلات بهره‌گیری از کتاب‌های داستانی - تاریخی
در آموزش تاریخ، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، شماره‌ی ۵۸، ۱۳۸۳.
سایت: مجله‌ی رشد (رشد آموزش جغرافیا، آموزش تاریخ و آموزش علوم
اجتماعی).